

نقد اقوال مفسرین در واژه اَسْمَاءِ سوره بقره با کاربرست مطالعه معناشناختی

محسن زارعی جلیانی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۵

محمد مهدی رضوانی حقیقی شیرازی**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۳

احمد جعفری***

چکیده

خداوند متعال واژه‌های قرآن کریم را به گونه‌ای معماری کرده است که برای درک برخی از آن‌ها باید شبکه‌ای از معناهای مرتبط به هم را تشکیل داد. یکی از این واژه‌ها، لفظ اسماء در آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره بقره است. یافته‌ها حاکی از وجود اقوال تفسیری فراوانی در این خصوص است. در این نوشتار تحلیلی کتابخانه‌ای، اقوال مفسرین به یازده وجه تقسیم گردیده و سعی شده است با کاربرست روش معناشناختی/ایزوتسو، آن‌ها را بررسی و نقد کرد و سپس تفسیر آیات مذکور با رویکرد معناشناختی به واژه "اسماء"، بیان می‌شود. اهمیت این موضوع، دست یافتن به شبکه معنایی واژه "اسماء" است چون اساساً ضرورت دارد برای ارائه تفسیر بهتر، مؤلفه‌های معنایی واژه‌ها را در بافت متنی قرآن کریم، وا کاوید. هدف این نوشتار، ارائه شبکه معنایی واژه "اسماء" به جامعه علمی قرآنی است تا نتایج آن در پژوهش‌های تفسیری و قرآن پژوهی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژگان: معناشناسی، اسماء، ایزوتسو، هم نشینی، جانمایی.

mohzareie@yahoo.com

Mehdi.rhs@gmail.com

Ahmadj55d@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد کازرون، گروه علوم قرآن و حدیث.

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد شیراز، دانشکده علوم انسانی، گروه ادبیات عرب.

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد کازرون.

نویسنده مسئول: محسن زارعی جلیانی

مقدمه

در قرآن کریم، کاربرد هر واژه در جایگاه و نقش خود، بسیار هدفمند و حکمیانه است. برای فهم مراد خداوند حکیم لازم است، کاوش و بررسی نقش الفاظ و ارتباط آن با جمله، سیاق و بافت کلی قرآن مجید، مفهوم هر واژه را شناسایی کرد. برای کشف دلالت الفاظ نیاز به بررسی پیوستگی آن با دیگر الفاظ است. بدین ترتیب، هر واژه یک میدان معنایی ایجاد می‌کند. برای تحلیل میدان معنایی واژگان قرآن کریم، دانش معناشناسی نوین، ابزار جدیدی در اختیار قرآن پژوهان قرار می‌دهد. راهی که معناشناسی نوین برای دستیابی به هدف مذکور ارائه می‌دهد معنی شناسی زبانی است (ایازی، ۱۳۸۳: ۴۶). در معنی شناسی زبانی، پژوهشگر به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی واژه از طریق زبان است (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۸). مطالعه و بررسی چگونگی پیدایش، رشد و دگرگونی معنا در تطور زمان و کارکردهای گوناگون واژه در بافت‌های متنی بخشی از دانش زبان شناسی است (ممتحن، ۱۳۹۱: ۶۳). بر این اساس، مفهوم نهایی هر واژه و حدود معنایی آن از بررسی و مطالعه در شاخص‌های فوق الذکر به دست می‌آید. این روش باعث می‌شود نظام معنایی واژه در شکل یک ساختمان معنایی هدفمند، در ذهن نقش ببندد.

یکی از قرآن پژوهان نامی معاصر که این روش را در قرآن پژوهی، به کار بسته است /یزوتسو می‌باشد. /یزوتسو معتقد است هر واژه، با وجود عناصر معناشناختی که همراه خود دارد، زمانی که در جمله قرار می‌گیرد به دلیل روابط و پیوستگی‌های خود با دیگر مفاهیم، عناصر معناشناختی جدیدی کسب می‌کند (یزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۳).

پژوهش حاضر با کاربرد روش /یزوتسو در قرآن پژوهی، به دنبال کشف شبکه معنایی واژه "اسماء" است تا با استفاده از آن، دیدگاه معناشناختی أسماء را ذیل آیه مبارکه ۳۱ بقره بررسی و نقد نموده، سپس معنای جدیدی از آیه مذکور ارائه دهد. بدین منظور، پس از شرح مختصر روش /یزوتسو، واژگان کلیدی آیه، شناسایی شده‌اند. واژه‌های "اسماء" و "تعلیم" از جمله واژه‌هایی است که در این نوشتار به خاطر هم‌نشینی با هم، بررسی شده است. مهم‌ترین واژه، "اسماء" است که مورد بررسی ریشه‌شناسی قرار گرفته است. سپس با استخراج تمامی آیات مرتبط با واژه مذکور،

مؤلفه‌های معنایی آن در محور هم‌نشینی و جانشینی مورد بررسی قرار گرفته است. آنگاه مؤلفه‌های معنایی بدست آمده، در بافت متنی آیه، بررسی نحوی شده و بین مؤلفه‌ها، هم‌ترازی ایجاد شده است. در مرحله آخر، دیدگاه‌های معناشناختی با معنای تحصیلی، تطبیق و معنای منتخب از آیه مذکور، ارائه شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد واژه اسماء در قرآن مجید، با الف و لام متعلق به خداوند عز و جل است. این نتیجه برای واژه اسم نیز چنین است. با این تفاوت که همه واژه‌های اسم متعلق به خدا در قرآن بدون الف و لام است.

این پژوهش بر این فرضیه استوار است که هیچ واژه مترادفی در قرآن کریم وجود ندارد و خداوند حکیم، به هر واژه، هم معنای مستقلی داده و هم شخصیت مستقلی که در مجاورت واژگان دیگر و در بافت آیه، ظهور می‌یابد. هدف این نوشتار، ترسیم شبکه معنایی اسما جهت بکارگیری در تفسیر و قرآن پژوهی است.

پیشینه پژوهش

هرچند در کتب قاموس‌های قرآنی و جوامع تفسیری بالأخص تفاسیر ادبی، تحقیقات فقه اللغوی بسیاری پیرامون واژگان قرآن کریم صورت گرفته است ولی ارتباط میان واژگان و ترسیم شبکه معنایی آن‌ها کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. در دوره معاصر، اندیشمندان و قرآن پژوهان، اقبال ویژه‌ای به کشف میادین معنایی الفاظ قرآن کریم داشته‌اند و هر کدام در قالب مقاله یا کتاب به ترسیم شبکه معنایی برخی واژگان پرداخته‌اند. با این وصف، هیچ پژوهشی در ترسیم شبکه معنایی "اسماء" به دید نگارندگان نرسید. لذا جنبه نوآوری این نوشتار از این حیث است.

مبانی روش معناشناسی ایزوتسو

/ ایزوتسو نگاه جدیدی به معناشناسی قرآنی دارد. نگاه او اثر مهمی در ارائه شبکه‌ای بهم پیوسته از مفاهیم و واژگان قرآنی دارد. از دید او، مطالعه معناشناسی در کلیدواژه‌های قرآنی منجر به شناسایی جهان بینی قومی عصر نزول می‌شود. او معتقد است زبان صرفاً ابزاری برای سخن نیست بلکه وسیله‌ای است تا ما درک شناختی از

فرهنگ یک قوم داشته باشیم. بر همین مبنا، معناشناسی را اینچنین تعریف کرده است، «علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان بینی یک ملت در دوره‌ای خاص از تاریخ است که به وسیله تحلیل روش شناسی مفاهیم و تصورات فرهنگی صورت می‌گیرد. تصورات عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده است و در کلمات کلیدی زبان آن ملت، تبلور یافته است» (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴). / ایزوتسو با بهره‌گیری از معناشناسی واژگانی قومی سعی کرده است تا با ایجاد شبکه معنایی از واژگان کلیدی قرآن، به فرهنگ و جهان بینی برخاسته از آن دست یابد. او روش خود را بر مثلث ارتباط زبان با تفکر، فرهنگ و ایدئولوژی بنا نهاده است. سپس به ترسیم شبکه معنایی می‌پردازد و میدان معناشناسی واژه را مشخص می‌نماید. روش شناسی / ایزوتسو در معناشناسی به شرح ذیل است:

الف. ارتباط زبان با تفکر

هر گویشی، تصویری متفاوت از واقعیات جهان خارج ارائه می‌کند که اختصاص به آن زبان دارد. از آنجایی که زبان، خروجی فکر انسان را بیان می‌کند، می‌تواند تصویری را که هر انسان از لفظ دارد ارائه دهد. به عنوان مثال اگر یک فارسی زبان واژه شیر را استفاده کند برای مخاطب نامفهوم است که چه شیری مد نظر متکلم خواهد بود. ولی اگر لفظ شیر را با صفت آن به کار برد، مخاطب پی به تفکر او می‌برد. مثلاً اگر بگوید شیر غران، مشخص می‌شود در مورد حیوانی به نام شیر فکر می‌کند. / ایزوتسو در کتاب «معناشناسی مفاهیم اخلاقی، چنین مثالی را برای لفظ میز در زبان برخی اقوام اروپایی آورده است» (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۶-۷). بنابراین زبان در خدمت اندیشه قرار می‌گیرد. اندیشه‌ای که توسط فرد یا جامعه شکل می‌گیرد (سورن، ۱۳۸۹: ۱۳۲). از طریق زبان، می‌توان به اندیشه فردی یا قومی اقوام و فرهنگ‌ها پی برد.

ب. ارتباط زبان با فرهنگ

/ ایزوتسو معتقد است تحلیل معناشناسی، به مثابه علمی برای شناخت فرهنگ جامعه است (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۲۱). وی بر اساس نظریه نسبیت زبانی، تجزیه و تحلیل عناصر

اساسی و نسبی یک واژه کلیدی را جلوه گر بخشی از فرهنگ هر قوم می‌داند(همان). او تمام واژه‌ها را به نوعی تحت تأثیر فرهنگ محیطی می‌داند که در آن کاربرد دارند(همان: ۲۰). /یزوتسو، کلمات را به سان رنگدانه‌هایی می‌داند که رنگ محیط به خود گرفته‌اند. بنابراین کلمات، انعکاس دهنده فرهنگ محیطی آن واژه هستند(همان). /یزوتسو مطالعات قرآنی خود را بر اساس این فرضیه استوار و رابطه حداکثری بین زبان قرآن و فرهنگ آن برقرار کرده است(لطفی، ۱۳۹۳: ۴۵). او یک واژه را در سه سطح تاریخی عصر جاهلیت، عصر نزول و تطور آن را بعد از نزول مورد بررسی قرار داده است. سپس فرهنگ قومی را از آن استخراج کرده و شبکه معناشناسی را برای آن واژه ترسیم کرده است.

ج. ارتباط زبان با ایدئولوژی

بر اساس فرضیه نسبیت در زبان، هر فرد آنچنان که زبان برایش ترسیم می‌کند، جهان را درک می‌کند. هر زبان، متافیزیک خاص خود را دارد که سخنوران در قالب مقولات نسبی، جهان بینی آن زبان را ترسیم و تبیین می‌نمایند(باطنی، ۱۳۷۳: ۱۶۴-۱۶۵). /یزوتسو با تکیه بر این فرضیه در کتاب «معناشناسی مفاهیم اخلاقی» می‌گوید، «هر یک از واژه‌های ما، نمایانگر منظر و زاویه‌ای ذهنی است که از آن به جهان می‌نگریم و آنچه را که مفهوم می‌نامیم چیزی جز تبلور این منظر و زوایای خاص به طور پایا و ثابت نیست. این منظر و زاویه خاص، جنبه فردی ندارد بلکه جنبه اجتماعی دارد که متعلق به همه افراد آن جامعه در قرون و اعصار گذشته برخاسته از فرهنگ و سنت آن‌هاست. اما مراد ما از ذهنی، آن است که منعکس کننده تمایلات و رغبت‌های انسانی از جهان خارج است که از واقعیات عینی متمایز است. علم معناشناسی، چنین منظرها و زوایای ذهنی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و دلالت‌های آن را که در واژه‌های زبان تبلور یافته است به دست می‌آورد(یزوتسو، ۱۳۶۰: ۸).

بنا بر گفته /یزوتسو، هر واژه در سیستم معنایی، دربردارنده جهان بینی خاصی است. بر این اساس، واژگان، ساختمان چندلایه ای دارند که منحصر در تحلیل صوری و معنای اشتقاقی نیست بلکه با تحلیل معناشناختی، چهره فرهنگی آن قوم را ترسیم می‌کند.

ایزوتسو می‌گوید، اگر به ساختمان چندلایه‌ای واژگان دست یابیم، به فرهنگ افرادی که در آن می‌زیسته‌اند راه خواهیم یافت که این همان جهان بینی معناشناختی است (همان: ۱۱). ایزوتسو از مبنای جهان بینی زبانی به جهان بینی قرآنی می‌رسد. یعنی با تحلیلی واژگان قرآنی به مباحث فرهنگی قرآنی همچون ایمان، اخلاق و توحید می‌رسد. با تحلیل فرهنگ قرآنی، جهان بینی جهان شمول آن نیز به دست می‌آید. بر اساس روش ایزوتسو در معناشناسی می‌توان نتیجه گرفت زبان دارای یک سیستم است. واژه‌ها در این نظام، به هم گره خورده و شبکه معنایی را به وجود می‌آورند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۲۲). برای فهم یک زبان، باید روح حاکم بر نظام آن را شناخت که شبکه معنایی به این مقوله کمک می‌کند (همان: ۳۶). نظام معنایی نیز در قالب میدان‌های معناشناختی حاکم بر آن زبان متبلور می‌شود.

میدان‌های معناشناختی در نظام معنایی قرآن

میدان معناشناسی در بردارنده مجموعه‌ای از اقلام واژگانی است که از نظر معنایی با یکدیگر در ارتباط هستند. این معانی در کنار یکدیگر، مفهومی از واقعیات جهان خارج را می‌سازند (Lyons, 1981: 250). روش معناشناسی ایزوتسو مبتنی بر رویکرد در-زبانی و عمیق بین زبان در ارتباط با فکر و فرهنگ و ایدئولوژی با بهره‌گیری از میدان معناشناسی است. ایزوتسو برای ترسیم میدان معناشناختی قرآنی، اصولی را بیان کرده است. این اصول عبارت‌اند از الف-واژه‌ها در نظام زبانی به یکدیگر گره خورده‌اند. ب-هر واژه می‌تواند در چندین میدان معناشناسی کاربرد داشته باشد. ج-الگوی عمده و اصلی این شبکه، واژگان کلیدی قرآن هستند. د-مهم‌ترین و دشوارترین قسمت طراحی شبکه در معناشناسی قرآنی، یافتن واژگان کلیدی آن است. ه-واژه‌های کلیدی قرآن نقش کلیدی در ساختن ایدئولوژی قرآن دارند مثل واژه‌های "الله"، "ایمان"، "اسلام"، "نبی"، "رسول"، "کافر"؛ و واژگان کلیدی در میدان معناشناسی نماینده یک حوزه فرهنگی مستقل هستند. ز-واژگان دخیل در ساخت شبکه معنایی دارای ارزش یکسان با واژه‌های کلیدی نیستند. ح-به دلیل تقدم الفاظ اشعار جاهلی بر الفاظ قرآنی، لازم است معنای اساسی واژگان کلیدی را با مراجعه به دوران جاهلیت به دست آورد. ط-هر واژه بسته به

تعلق آن به دستگاه زبانی عصر جاهلی/ عصر نزول، ارزش معناشناسی متفاوتی پیدا می‌کند.

کاربرد روش ایزوتسو در معناشناسی واژه اسماء

نخستین گام در معناشناسی هر متنی، شناخت معنای واژگان آن است. طبق روش /ایزوتسو، معنای یک واژه را می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد(ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۴). بنابراین لازم است برای فهم آیه مبارکه ۳۱ سوره بقره، کلیدواژه‌های آن را شناخت.

یکی از این کلیدواژه‌ها، لفظ "اسماء" است که دو بار در آیه مذکور به کار رفته است. بر اساس روش /ایزوتسو، واژه اسماء را باید در محیط وقوع آن یعنی در جامعه عربستان قبل و بعد از ظهور اسلام در بافت زبان عربی مورد تحلیل و بررسی قرار داد. برای این منظور لازم است در ابتدا با نگاهی خُرد به واژه نگریست(مطیع، ۱۳۹۷: ۹۴). در نگاه خُرد، سه مرحله را باید طی کرد. مرحله اول، ریشه لغوی واژه مورد کاوش قرار می‌گیرد. در مرحله بعدی، معنای لغوی و اصطلاحی و در مرحله سوم، به دنبال یافتن تبار (اشتقاق) آن هستیم. بدین ترتیب مؤلفه‌های معنایی واژه، تعیین می‌گردد(همان: ۹۵-۹۶). تا این مرحله، واژه در محیط وقوع آن، بررسی شده است. در ادامه باید آن را در بافت زبانی مورد بررسی قرار داد. برای این کار لازم است واژه را در محور هم‌نشینی و جانشینی مورد تحلیل قرار داد و سپس در بافت متن، بررسی نحوی کرد(صفوی، ۱۳۷۹: ۲۹۲-۳۱۲).

در گام دوم با نگاهی کلان به واژه، ساز و کار ارتباط میان واژگان در محور هم‌نشینی‌ها و جانشینی‌ها تعیین می‌گردد. سپس با ترسیم میدان معنایی و بررسی پیوستگی‌ها و ارتباطات میان واژه‌ها، شبکه معنایی کشف می‌گردد. برای این منظور لازم است هم‌ترازی(هم‌معنایی) و تقابل معنایی(تضاد) را در بافت متنی قرآنی(وحدت موضوعی) به دست آورد تا ارتباطات و پیوستگی میان واژه مشخص گردد. به عبارتی با استفاده از روابط بینامتنی، به تحلیل روابط درون متنی واژگان پرداخته می‌شود(مطیع، ۱۳۹۷: ۹۵-۱۰۶).

در تحقیق حاضر، واژه‌های اسم و اسماء، بر اساس روش معناشناسی ساخت گرایانه /یزوتسو، هم‌تراز می‌شوند. سپس بر اساس روش بینامتنی، شبکه معنایی آن‌ها ترسیم خواهد شد تا با کشف ارتباطات و پیوستگی معنایی میان آن‌ها در سراسر قرآن، به مفهوم واقعی لفظ اسماء در آیه شریفه ۳۱ بقره پی برد و در نهایت نتیجه حاصله با دیدگاه معناشناختی /ابوعلی فارسی از واژه مذکور، تطبیقی می‌گردد.

الف. ریشه یابی واژه "اسماء"

برای دستیابی به مؤلفه‌های معنایی یک واژه لازم است در گام اول، ریشه لغت، معنای لغوی و اصطلاحی و اشتقاق آن را شناخت. اسماء جمع اسم است. واژه اسم در قرآن کریم با مشتقات آن، ۱۸۱ بار آمده است مشتقات آن در قرآن عبارت‌اند از اسماء مسمی، سمیت و سمیت‌موهم، متوسمین، سمیا، تسمیه، سمو و سماکم. برخی کوفیون معتقدند "اسم" از ریشه "وسم" به معنای علامت است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۰). بسیاری از لغویون بر این اعتقاد هستند که از ریشه "سمو" به معنای علو است (همان؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۹۹). راعب می‌گوید از این جهت به معنای علو است که اسم، مسمی را بالا می‌برد تا شناخته شود و شناخت اسماء جز با شناخت مسمی حاصل نمی‌شود (راعب، ۱۴۱۲ق: ۴۲۸). ولی در واقع "اسم" مأخوذ از "شما" و ریشه آن آرامی و عبری است و همزه آن برای وصل است و اگر ذیل ماده "سمو" ذکر شده است به خاطر غفلت محققین از تحقیق در ریشه کلمه است (مصطفوی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۲۷۳). اسم در معنای اصل آن، مظهر ذات و عنوانی برای آن است یا صفتی از صفات ذات است. اسم نشانه‌ای برای تعین ذات، دیدن آن و پی بردن به وجودش می‌باشد (همان: ۲۷۴). اما در مورد خداوند، اسم بیان‌کننده صفات او اعم از جلالی و جمالی، ذاتی و فعلی است. بنابراین مظهر ذات باری تعالی نیست (همان). در هر موجودی، اسم تعیین‌کننده مسمی است غیر از وجود ذی وجود باری تعالی زیرا ذات خداوند عز و جل خارج از تصور و ادراک ماست (همان، ج ۵: ۲۷۵). بنابراین برای پی بردن به مفهوم "اسماء" در آیه شریفه ۳۱ سوره بقره، لاجرم باید مسمی را شناخت.

ب. اقوال مفسرین

در اقوال مفسرین، مسمای "اسماء" به یازده وجه آمده است.

وجه اول: نام موجودات از قبیل انسان، جانوران، کوه و زمین، دشت و دریا که مردم با آن‌ها یکدیگر و اشیای اطراف خود را می‌شناسند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۰۹).

وجه دوم: برخی از مفسرین معتقدند خداوند علیم، اسامی فرشتگان را به حضرت آدم آموخت (همان).

وجه سوم: برخی دیگر گویند، اسامی فرزندان آدم به او یاد داد. / ابو علی فارسی نیز این معنا را پذیرفته است (ابو حیان، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۲۰).

وجه چهارم: شیخ طوسی و برخی مفسرین گفته‌اند منظور از تعلیم اسماء به آدم علیه السلام، تعلیم معانی نام‌ها است. چون نام‌ها به خودی خود، علم آور نیستند (ماوردی، بی تا، ج ۱: ۹۹؛ طوسی، ۱۳۸۹ق، ج ۱: ۱۳۸).

وجه پنجم: لهجه و لغات بشری که اقوام و ملل مختلف با آن صحبت می‌کنند منظور از تعلیم اسماء است (همان).

وجه ششم: شماری دیگر از مفسرین، معتقدند به حضرت آدم، دانش آموخته شد (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۱۷۸؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۱: ۱۷۸).

وجه هفتم: در برخی تفاسیر عرفانی آمده است؛ خداوند سبحان، اسامی آفریدگار و آفریدگان را به او یاد داد (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱: ۱۳۷).

وجه هشتم: از منظر فلاسفه و متکلمین، خداوند، حقایق عالم را به او نشان داد (ملاصدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۲: ۱۲۰).

وجه نهم: علامه طباطبایی می‌گوید، خداوند قادر متعال نام موجودات زنده و ذی العقول را به او یاد داد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۸۰).

وجه دهم: ظهور حقیقت آفریدگار در آفریدگان. این حقایق در چهار مرحله ظهور یافتند. در مرحله اول حقیقت، جمله "لا اله الا هو" است پس این جمله در مقام تفسیر به کلمه "الله" تعبیر شد که در مرحله دوم حقایق قرار دارد. "الله" جامع اسماء اربعه الهی، یعنی مرید، حی، عالم و قادر است که اسماء حسنی از آن متفرع می‌گردند.

بنابراین در مرحله سوم، اسماء الله الحسنی از نام جلاله "الله" متفرع شدند. سپس در مرحله آخر، اسماء الحسنی در جمیع موجودات ظهور یافته و موجودات مظهر آن صفات الهی شدند (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۵: ۲۷۸).

وجه یازدهم: در تفاسیر روایی و به نقل از معصومین علیهم سلام الله آمده است پروردگار دانا، نام حجج الهی را به حضرت آدم علیه السلام آموخت (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۶۴).

حال با مشخص شدن وجوه مسمی، باید آن‌ها را با محور هم‌نشینی و جانیشینی اسماء تطبیق داد تا اشکالات وجوه معنایی مذکور نمایان شوند. لازم به ذکر است وجه مشترک اقوال تفسیری تأکید همه آن‌ها بر جامع الصفات بودن حضرت آدم و برتری علمی و معرفتی او همراه با عنایت الهی است (ممتحن، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

ج. بررسی واژه "اسماء" در محور هم‌نشینی

واژه‌هایی که در یک جمله با هم در ارتباط هستند و ویژگی مشترک دارند اصطلاحاً هم‌نشین نامند (صفوی، ۱۳۷۹ش: ۱۹۶). مثل نان و بیات در جمله "اگر نان به مدت چند ساعت در فضای باز بماند بیات می‌شود". هرگاه واژه‌هایی در یک بافت متنی کنار هم قرار گیرند باعث انتقال معنایی واحدهای هم‌نشین به یکدیگر می‌شوند. علاوه بر آن، هم‌نشینی معنایی نوعی تشابه در مؤلفه‌های متن ایجاد می‌کند (همان: ۲۴۷). با توجه به این دو نکته، بررسی هم‌نشین‌های واژه "اسماء" و هم‌ترازی آن با واژه "اسم" در بافت متنی قرآن کریم مؤلفه‌های معنایی آن را با نگاه کلان به دست می‌دهد. گراف شماره یک (ص ۱۷)، هم‌نشینی واژه اسماء را نشان می‌دهد. با بررسی هم‌نشین‌های واژه "اسماء" در قرآن کریم نتایج ذیل به دست می‌دهد:

۱- هرگاه "اسماء" با الف و لام آمده مسماهای آن صفات باری تعالی جل و علا بوده است.

۲- در آیه ۳۱ بقره، تعلیم اسماء به آدم علیه السلام با الف و لام آمده است ولی خبر خواستن اسماء از ملائک بدون الف و لام آمده است. از طرفی در آیه ۳۳ بقره، خداوند عز و جل از حضرت آدم اسماء بدون الف و لام خواسته است تا به ملائک خبر دهد.

۳-هرجا مسمی، بت بوده واژه اسماء نکره آمده است.

با توجه به نتایج حاصله فوق الذکر، آیه ۳۱ بقره را می‌توان چنین تفسیر کرد. خداوند تبارک و تعالی علاوه بر اسماء حسنی همه اسماء را به آدم علیه السلام تعلیم داد ولی آنچه به ملائک عرضه کرد و از آدم خواست تا به آنها خبر دهد، غیر از اسماء حسنی بوده است. اکنون باید دید غیر از اسماء حسنی، خداوند تبارک و تعالی چه اسمی دیگری به حضرت آدم علیه السلام آموخت. بنابراین لازم است دو کار انجام داد. یکی هم‌نشینی‌های "اسم" را بررسی کرد و دیگری تعلیم و اسماء را در محور جانشینی ارزیابی کرد. گراف شماره دو (ص ۱۸)، هم‌نشینی‌های "اسم" را نشان می‌دهد. با بررسی هم‌نشینی‌های "اسم" در بافت متنی قرآن کریم، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱- از ۱۳۴ مورد واژه "اسم" بکاررفته در قرآن کریم، مسمای ۱۲۴ مورد آن لفظ جلاله "الله" و ۷ مورد آن "رب" می‌باشد. مسمای سه مورد دیگر مسیح، یحیی و احمد است.

۲- همه هم‌نشینی مسماها در موارد و الفاظ مثبت به کار رفته‌اند. ۲۳۳ بار صفات الهی، ۱۱ بار ذکر، ۲ بار مساجد، ۲ بار تسبیح و دیگر موارد مثبتی چون رزق، طیبات، کلمه، بیوت می‌باشند.

۳- در هیچ جا قرآن لفظ "اسم" با الف و لام به کار برده نشده است. قابل ذکر است اسم در سوره حجرات که با الف و لام آمده است به معنای نشانه گذاری و از ریشه "وسم" است.

۴- مضمون هم‌نشینی مسماها، ذکر و عبارت، پیامبران، نجات از عذاب، بیوت خاص و مساجد، ایام معدودات، مأكولات، رزق و انعام می‌باشند.

از تحلیل نتایج منتزع از محور هم‌نشینی واژه "اسم" مشخص می‌گردد در قاموس قرآن کریم لفظ "اسم" برای بیان صفات باری تعالی و آنچه که محل ظهور آن صفات است به کار گرفته شده است. هم‌نشینی واژه "اسم" با لفظ جلاله و خلفای الهی نشان می‌دهد آن واژه، در فرهنگ قرآن کریم دارای تقدس است.

از طرفی هم‌نشینی مسماها با امور و اماکنی که یاد خدا در آنها جریان دارد فرضیه فوق را تقویت می‌نماید. تمایز مسماهای واژه "اسماء" با الف و لام که مضمون اسماء

الحسنی هستند از مسماهای دیگر که بدون الف و لام ذکر شده‌اند متضمن این معناست که نامگذاری خداوند متمایز از نامگذاری انسان‌هاست. آنچه خداوند عز و جل در بافت متنی قرآن نامگذاری کرده است با پرچمداری لفظ جلاله خودنمایی می‌نماید. این مطلب حاکی از فرهنگ قرآنی در میدان معناشناسی واژه "اسم" است. با این تفصیل، معنای آیه ۳۱ سوره بقره روشن‌تر می‌گردد. خداوند متعال علاوه بر اسماء الحسنی، اسامی خلفای الهی و مظاهر و تجلیات صفات الهی را به *آدم علیه السلام* تعلیم داد.

جمله را تعلیم هر اسم از تو خاست وز مسمی ذره ای قسم از تو خاست
(عطار، ۱۳۸۵: ۲۶۲)

ولی تا اینجای پژوهش هنوز مشخص نشده است که ۱- خداوند در چه قالبی اسماء را به حضرت *آدم* آموخت؟ ۲- خداوند چه چیزی به ملائک عرضه کرد؟ ۳- خداوند از ملائک چه خواست؟

چگونگی تعلیم به *آدم علیه السلام* به ما کمک می‌کند جواب دو سؤال واضح‌تر گردد. به همین منظور لازم است واژه‌های تعلیم و اسماء را در محور جانشینی بررسی کرد. برای جواب به دو سؤال آخر نیز باید عرضه و انباء و ضمائر آن را در بافت متنی مورد بررسی نحوی قرار داد تا مؤلفه‌های معنایی "اسماء" در آیه مذکور آشکار گردد.

د. بررسی واژه‌های "اسم" و "تعلیم" در محور جانشینی

چرا به جای واژه "اسماء"، واژه "اسم" در محور جانشینی قرار می‌گیرد؟ زیرا ملاک ترسیم میدان‌های معنایی در مطالعات قرآنی، روابط مفهومی در سطح واژگان است (مطیع و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۳). به اعتقاد/یزوتسو، دو یا چند کلمه کلیدی می‌توانند از چند راه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. بدین ترتیب شبکه معناشناختی در هم تنیده‌ای می‌سازند. از میان این راه‌ها، سه راه عمده مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است که عبارت‌اند از نسبت ترادفی، نسبت تقابلی، انشعاب یک مفهوم به عناصر متشکله (یزوتسو، ۱۳۷۸: ۲۹۵-۲۹۸). گاهی ترادف عبارات وجود رابطه معنایی دو واژه را مکشوف می‌سازد (یزوتسو، ۱۳۶۰: ۴۹). به عبارت دیگر این امکان وجود دارد که واژه بر حسب بافت متن، جانشین واژه دیگر گردد. در چنین شرایطی هم معنی با آن

می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸). چون انتخاب کلمات قرآن کریم توسط حکیم عالم صورت گرفته است، قائل شدن به وجود ترادف در کلام خداوند حکیم، لغو است لذا در این نوشتار هم‌معنایی در کلام/یزوتسو به هم‌ترازی تعبیر شده است. پس جانشین قرار دادن "اسم" که هم‌تراز "اسماء" است موجب کشف رابطه معنایی بین آن‌ها می‌گردد. جانشینی "اسم" در هم‌نشینی "تعلیم الهی" در گراف شماره سه (ص ۱۸) نشان داده شده است. نتایج آن عبارت‌اند از:

۱- از ۲۷ مورد تعلیم الهی مذکور در قرآن کریم می‌توان موارد ذیل را احصاء نمود: اسماء علم، کتاب و حکمت، نا دانستنی‌ها، قرآن، نوشتنی‌ها، احکام، وحی: نعت لباس، تورات و انجیل، تعبیر خواب، بیان.

۲- می‌توان مجموع موارد فوق الذکر را تحت عناوین، اسماء و بیان، کتاب و حکمت، علم و صنعت جمع کرد.

۳- موارد تعلیمی و یاد گیرندگان نیز به شرح ذیل هستند: اسماء به حضرت آدم+ علم به ملائک، حضرت داوود و حضرت یوسف علیهما سلام و عبداً مِنْ عبادنا+ کتاب و حکمت و نادانستنی‌ها به پیامبر اسلام صلی الله علیه و علی آله و سلم+ کتاب و حکمت به رسولان از آل ابراهیم+ کتاب و حکمت، نادانستنی‌ها، قرآن، نوشتنی‌ها و احکام به انسان‌ها از طریق نبی اکرم صلی الله علیه و علی آله و سلم+ وحی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و علی آله و سلم+ کتاب و حکمت و تورات و انجیل به حضرت عیسی علیه السلام+ تعبیر خواب به حضرت یوسف علیه السلام+ صنعت لباس به حضرت داوود علیه السلام+ بیان به انسان‌ها.

۴- مهم‌ترین جانشین "اسماء" در تعلیم الهی به حضرت آدم علیه السلام، واژه "بیان" است. تعلیم بیان به انسان‌ها به طور اعم شامل حضرت آدم به طور اخص می‌شود. البته واژه بیان را می‌توان یک جانشین عام لحاظ کرد.

۵- تعلیم الهی که نسبت به باقی تعلیم عام است شامل، علم، کتاب و حکمت بیان است. با این نگاه کلان می‌توان نتیجه گرفت که خداوند عز و جل، اسماء را در قالب علم، کتاب و حکمت با چاشنی بیان به آدم علیه السلام آموخت. بیان یعنی دلالت‌هایی که موجب رفع ابهام می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۳۹۶).

هـ- بررسی نحوی واژه "اسماء" در بافت درون متنی

هر واژه شخصیتی مخصوص به خود دارد و هنگامی در جمله می‌آید بستگی به مکان و چینش آن در جمله، مؤلفه‌های معنایی خود را به نمایش می‌گذارد (مطیع و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰). در آیه ۳۱ بقره، دو بار واژه اسماء به کار رفته و دو ضمیر هم به آن عائد می‌گردد. در ادامه آیه مذکور به آیه ۳۳ می‌رسیم که در سیاق یکسان با آیه ۳۱ قرار دارد. در آن آیه نیز دو بار واژه اسماء آمده است. هر کدام از آن‌ها، شخصیت مخصوص به خود دارند. هر کدام نیز جلوه‌هایی از مؤلفه‌های معنایی شبکه معناشناختی اسماء را به نمایش می‌گذارند.

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ﴾: شخصیت "اسماء" در این جمله، مفعول به دوم، متعلق به علم و منصوب است.

مؤلفه معنایی آن، معرفه به الف و لام عهد ذهنی است. در نگاه کلانی که به این واژه در محور فرهنگی قرآن کریم داشتیم مشخص شد اسماء معرف به الف و لام، اسماء الله الحسنى می‌باشند و آنچه که مظهر آن است.

"كُلُّهَا": کُلّ، تأکید معنوی و منصوب است و ضمیر "ها" مضاف الیه آن است که به "الْأَسْمَاءُ" عائد می‌شود. از آنجایی که ضمیر متصل مؤنث در زبان عربی برای غیر عاقل مصرف می‌شود مؤلفه معنایی ضمیر "ها" بیانگر عباراتی است که خداوند به آدم علیه السلام آموخت.

چرا خداوند این عبارات را به آدم علیه السلام آموخت و اساساً این عبارات چه ارزشی دارند؟ بنا به سیاق آیات ۳۰ تا ۳۴ و نظر به آیه ماقبل، آموزش این عبارات به منظور قرار دادن آدم علیه السلام در مقام خلیفة اللهی است. این عبارات مشتمل بر اسماء الحسنى و آنچه مظهر آن اسماء است در قالب علم، کتاب و حکمت با چاشنی بیان به حضرت آدم یا به عبارتی به خلیفة الله تعلیم داده شد.

﴿ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ﴾: ضمیر هُم به "اسماء" برمی‌گردد و شخصیت آن، مفعول به برای فعل ماضی عَرَضَ است. بنابراین محلاً منصوب است. مؤلفه معنایی آن به خاطر استعمال ضمیر متصل مذکر برای عاقل در زبان عربی، نسبت به عائدش کمی متفاوت است. ضمیر "هُم" در "عرضهم" به نسبت ضمیر "ها" در "كلها"، جایگاه و نقش

متفاوت "اسماء" را نشان می‌دهد. در عرضه اسماء به ملائک، غلبه عقلاء بر غیر عقلاء وجود دارد. می‌توان از عبارت مذکور چنین برداشت کرد که آنچه به ملائک عرضه شده، مظاهر تجلی اسماء الله الحسنی بوده است نه صرف عبارات. به بیان دیگر و در مقام تمثیل آنچه خداوند حکیم به حضرت آدم علیه السلام آموخت درس نظری و آنچه بر ملائک عرضه نمود درس عملی بود.

﴿أَبْنُوْنِي بِأَسْمَاءِ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾: شخصیت "اسماء" در اینجا با صدر آیه متفاوت است. در اینجا جار و مجرور و متعلق به فعل انبئونی است، و مؤلفه معنایی آن به خاطر قرار گرفتن در محل جر، تغییر می‌کند و تا آیه ۳۳ در همین بافت امتداد می‌یابد. با عنایت به قاموس قرآن، "اسماء" بدون الف و لام مشتمل بر اسامی غیر الهی می‌گردد. از طرفی هم‌نشینی آن با اسم اشاره جمع عاقل، مؤلفه‌ای دیگر به معنایش اضافه می‌کند. با این تفاضل میدان معنایی آن محدود به مظاهر ذوی العقول مظهر صفات باری تعالی است. همانگونه که در نمودار هم‌نشینی‌های "اسم" نشان داده شد، مسماهای ذوی العقول مظهر صفات باری تعالی پیامبران هستند.

خلاصه کلام آنچه خداوند علیم از ملائک خواست انباء دهند با یک درجه تخفیف است به آنچه بر آن‌ها عرضه داشت. به عبارتی خداوند تبارک و تعالی از آن‌ها خواست نام خلفای الهی از نسل آدم ابوالبشر را انباء دهند.

ماحصل سخن در جدول ذیل نشان داده شده است. جدول مذکور مؤلفه‌های معنایی واژه "اسماء" را در بافت متن آیه ۳۱ با توجه به بُعد شخصیتی آن (نقش واژه در جمله) نشان می‌دهد.

اسماء	"ها" در "کلها"	"هم" در "عرضهم"	اسماء	
-	+	-	+	اسماء الحسنی
-	+	+	+	مُظْهَر صفات الهی
-	+	-	+	عبارات
+	-	+	+	ذوی العقول از مُظْهَر صفات

تحلیل دیدگاه معناشناختی ابو علی فارسی و دیگر مفسرین

بر اساس روش معناشناسی /یزوتسو و ترکیب آن با روش بینامتنی در بافت متنی قرآن کریم مشخص گردید، واژه "اسماء" در بستر متن آیه ۳۱ بقره، چهار مؤلفه معنایی را در چهار نقش، با هم تراز می‌کند. این هم‌ترازی از اعجاز ادبی قرآن است که مفسرین عنایت ویژه‌ای در کشف آن نداشته‌اند.

وجه اول، فقط مظاهر صفات الهی را بیان کرده ولی به دیگر مؤلفه‌های معنایی آن توجه نشده است.

وجه دوم، دایره میدان معنایی را محدود به ذوی العقول کرده است ولی به هم‌نشینی اسم اشاره جمع عاقل در میدان معنایی "اسماء" عنایت نداشته است.

وجه سوم، که /ابو علی فارسی نیز آن را پذیرفته است برای الف و لام در "اسماء" تمایز قائل نشده است و مؤلفه‌های معنایی را در بافت *أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ* دیده است. در حالی که اگر دید خود را در میدان معناشناسی بازتر می‌کرد، قائل به عمومیت در ذوی العقول مظاهر صفات نمی‌شد. به عبارتی همه فرزندان آدم *عليه السلام* نمی‌توانند خلیفه الله باشند بلکه برگزیدگان از آنان، شایسته کسب چنین جایگاهی را دارند.

وجه چهارم، بر عکس قول قبلی است. به الف و لام در "اسماء" توجه شده است. ولی همه مؤلفه‌های معنایی را در آن جمع کرده و دیگر مؤلفه‌ها در میدان معناشناسی "اسماء" رها شده است.

وجه پنجم، با نگاه کلان به واژه "اسماء" و جانشینی آن با "البیان" ارائه تفسیر نموده است. در تبارشناسی "بیان" نیز راه خطا پیموده است.

وجه ششم، قالب و بستر تعلیم را از نگاه هم‌نشینی تعلیم با "اسماء" ذکر کرده و میدان معناشناسی واژه، فراموش شده است.

وجه هفتم، معنا را در بافت صدر آیه جمع کرده و به بقیه بافت‌های آیه تسری داده است. یعنی *﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾* را به خوبی تفسیر نموده است. ولی میدان معنایی "الأسماء" را در محور هم‌نشینی‌های مسمایا به آفریدگان محدود کرده است. در حالی که بیوت خاص و مساجد نیز مظهر صفات و متجلی اسماء الله الحسنى هستند. وجه هشتم، اشکال وجه هفتم را مرتفع و صدر آیه را به درستی تفسیر کرده است ولی تفسیر

صدر آیه را به کل آیه تسری داده است. به عبارتی میدان معناشناسی "اسماء" در وجه هشتم خوب توصیف شده ولی دو اشکال بر آن وارد است. یکی به الف و لام و تفاوت معنایی آن توجه نشده است و دیگری جایگاه "اسماء" در بافت آیه، مورد بررسی نحوی قرار نگرفته است.

وجه نهم، تعمیم وجه سوم از انسان به کل ذوی العقول است و همان ایرادات وجه سوم را دارد.

وجه دهم، تفسیر بهتری از وجه هشتم است و همان ایرادات وجه هشتم بر آن وارد است.

وجه یازدهم، جمله ﴿أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ﴾ را به درستی تفسیر نموده است. البته در تفسیر «البرهان»، تفسیر مروی از امام صادق علیه السلام، فقط ناظر بر همین جمله از آیه آمده است. برای جملات و فرازهای دیگر آیه، روایات دیگری آورده شده است. در یک بررسی اجمالی، همه وجوه تفسیری به گوشه‌ای از میدان معناشناسی عنایت داشته‌اند ولی همه مؤلفه‌های معنایی در هیچ یک از آن‌ها ظهور نیافته است.

نتیجه بحث

با بررسی واژه "اسماء" از زوایای خرد و کلان و با بهره‌گیری از روش/یزوتسو در معناشناسی و تلفیق آن با روش بینامتنی، شبکه معنایی "اسماء" به دست آمد. از نگاه خرد، واژه مذکور ریشه شناسی شد. سپس در محورهای هم‌نشینی و جانشینی مورد بررسی قرار گرفت و با نگاه کلان در بافت متنی قرآن کریم، روابط بین هم‌نشین و جانشین‌های واژه ترسیم گردید. نتایج حاصله به شرح ذیل است:

الف) با بررسی هم‌نشین‌های واژه "اسماء" در قرآن کریم نتایج ذیل به دست می‌آید:
۱- هرگاه "اسماء" با الف و لام آمده مسماهای آن صفات باری تعالی جل و علا بوده است.

۲- در آیه ۳۱ بقره، تعلیم اسماء به آدم علیه السلام با الف و لام آمده است ولی خبر خواستن اسماء از ملائک بدون الف و لام آمده است. از طرفی در آیه ۳۳ بقره، خداوند علیم از حضرت آدم اسماء بدون الف و لام خواسته است تا به ملائک خبر دهد.

۳- هر جا مسمی، بت بوده است. واژه اسماء نکره آمده است.

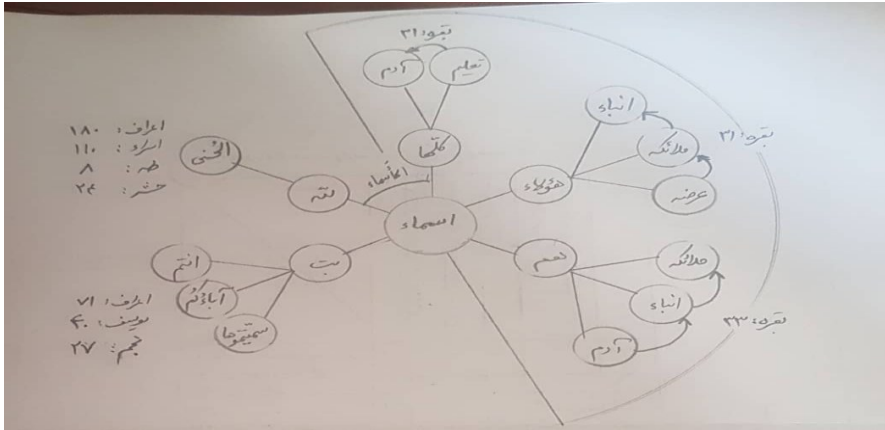
ب) از تحلیل نتایج منتزع از محور هم‌نشینی واژه "اسم" مشخص می‌گردد در قاموس قرآن کریم لفظ "اسم" برای بیان صفات باری تعالی و آنچه که محل ظهور آن صفات است به کار گرفته شده است. هم‌نشینی واژه "اسم" با لفظ جلاله و خلفای الهی نشان می‌دهد آن واژه، در فرهنگ قرآن کریم دارای تقدس است.

ج) از ۲۷ مورد تعالیم الهی مذکور در قرآن کریم می‌توان موارد ذیل را احصاء نمود: اسماء علم، کتاب و حکمت، نادانستنی‌ها، قرآن، نوشتنی‌ها، احکام، وحی، صنعت لباس، تورات و انجیل، تعبیر خواب، بیان. بنابراین خداوند عز و جل، اسماء را در قالب علم، کتاب و حکمت با چاشنی بیان به *آدم علیه السلام* آموخت.

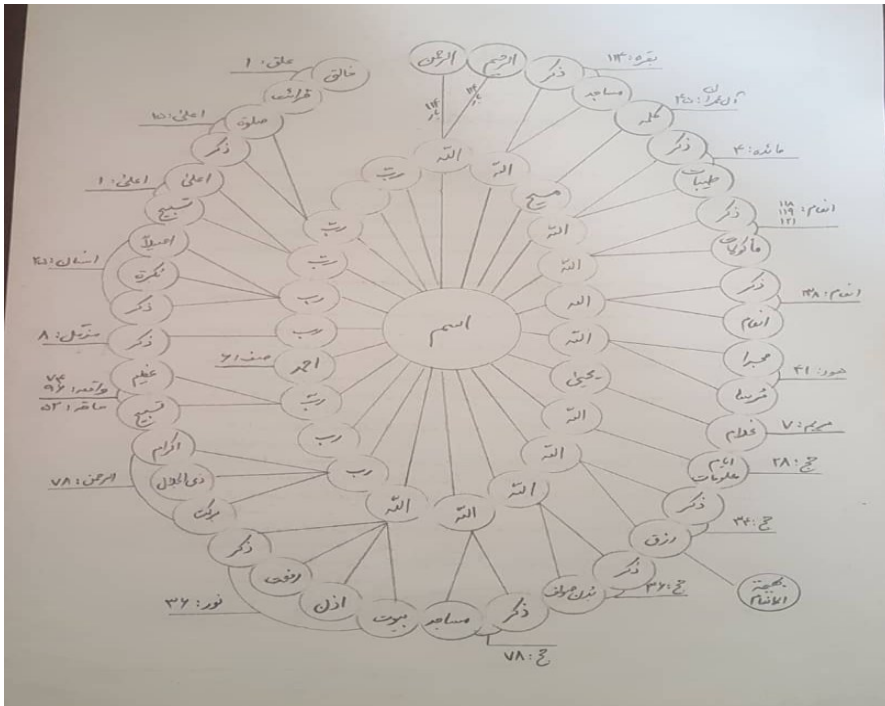
در مرحله آخر، مؤلفه‌های معنایی بدست آمده در بافت متنی آیه، با هم تراز شده و تفسیر آیه به شرح ذیل به دست آمد. خداوند علیم و حکیم، اسماء حسنی و مظهر صفات الهی را در قالب علم، کتاب و حکمت با چاشنی بیان به *آدم علیه السلام* آموخت. موکداً عبارات آن‌ها را به او یاد داد. آنگاه مظاهر صفات را به ملائک عرضه داشت و به آن‌ها گفت، مرا از نام خلفای الهی خبر دهید. اگر شما از راست پنداران هستید.

البته معنی صادقین در ذیل آیه، تفسیری دیگر می‌طلبد که از بحث این نوشتار خارج است. قابل ذکر است تفسیر ذیل آیه، با تفسیر صدر آیه ارتباط معنایی مستقیمی دارد که این نوشتار می‌تواند به این امر کمک می‌کند.

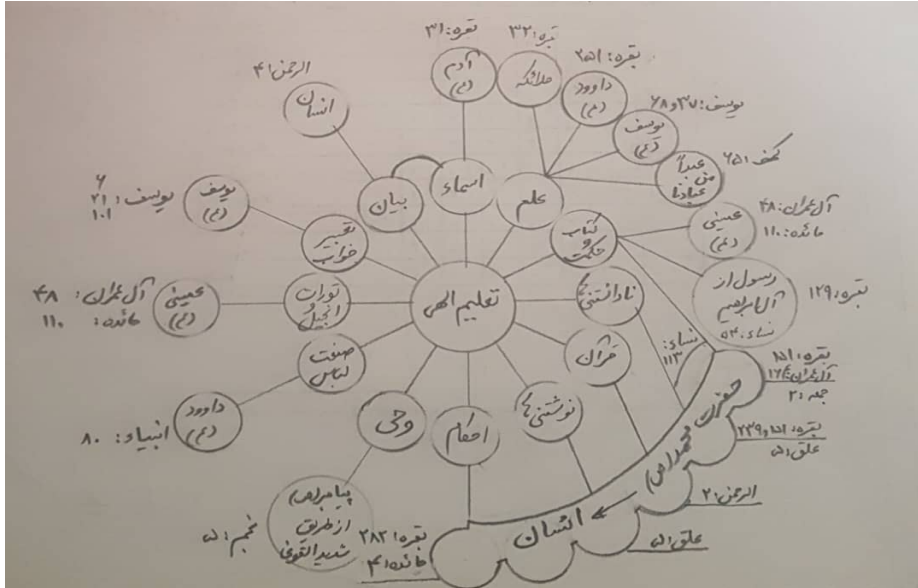
گراف شماره ۱: گراف اسماء منقول در صفحه ۹



گراف شماره ۲: گراف اسم منقول در صفحه ۱۰



گراف شماره ۳: گراف تعالیم الهی در صفحه ۱۱



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. ۱۴۲۲ق، البحر المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ایزوتسو، توشی هیکو. ۱۳۶۰ش، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: قلم.
- ایزوتسو، توشی هیکو. ۱۳۶۱ش، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایزوتسو، توشی هیکو. ۱۳۷۸ش، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا، تهران: سروش.
- باطنی، محمدرضا. ۱۳۷۳ش، زبان و تفکر، تهران: فرهنگ معاصر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. ۱۴۱۵ق، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة.
- راغب اصفهانی، حسین. ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- سورن، پیتر. ۱۳۸۹ش، مکاتب معناشناسی نوین در غرب، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: سمت.
- صدر الدین شیرازی (ملا صدرا)، محمد. ۱۳۶۶ش، تفسیر القرآن الکریم، چاپ دوم، قم: نشر بیدار.
- صفوی، کوروش. ۱۳۷۹ش، درآمدی بر معناشناسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۰۸ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد. ۱۳۸۹ق، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عطار، محمد بن ابراهیم. ۱۳۷۲ش، منطق الطیر، مصحح: صادق گوهرین، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، تفسیر کبیر، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد. ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر، چاپ دوم، قم: دار الهجرة.
- ماوردی، علی بن محمد. بی تا، النکت والعیون، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مصطفوی، حسن. ۱۴۲۶ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

میبدی، احمد بن محمد. ۱۳۷۱ش، کشف الأسرار وعدة الأبرار، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

کتاب انگلیسی

Lyons, John(1981), semantics, London: Cambridge university press.

مقالات

- ایازی، محمد علی. ۱۳۸۳ش، «معناشناسی و رابطه آن با دانش تفسیر قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲.
- لطفی، سید مهدی. ۱۳۹۳ش، «بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو»، دوفصلنامه پژوهش زبان شناختی قرآن، شماره ۶.
- مطیع، مهدی و همکاران. ۱۳۹۷ش، «کاربرد نظریه شبکه معنایی در مطالعات قرآنی»، دوفصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآنی، شماره ۱۲.
- ممتحن، مهدی و حسین شمس آبادی. ۱۳۹۱ش، «اعجاز توانش زبانی و کاربرد واژگانی قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۳، شماره ۱۱.
- ممتحن، مهدی و مریم محمودی. ۱۳۹۰ش، «آدم مسجود از دیدگاه آیات قرآنی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۲، شماره ۷.

Bibliography

The Holy Quran.

Ibn Faris, Ahmad 1404 AH, Dictionary of Comparative Language, first edition, Qom: Maktab Al-Elm Al-Eslami

Abu Hayyan Andalesi, Muhammad ibn Yusuf. 1422 AH, Al-Bahr Al-Muhit, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.

Izutsu, Toshi Heiko. 1981, The Semantic Structure of Religious Moral Concepts in the Qur'an, translated by Fereydoun Badrahai, Tehran: Qalam.

Izutsu, Toshi Heiko. 1982, God and Man in the Quran, translated by Ahmad Aram, Tehran: Anteshar Co.

Izutsu, Toshi Heiko. 1999, The Concept of Faith in Islamic Theology, translated by Zahra Poursina, Tehran: Soroush.

Batani, Mohammad Reza 1994, Language and Thought, Tehran: Farhange Moaser.

Bahrani, Hashem bin Suleiman. 1415 AH, Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran, first edition, Qom: Al-Ba'ath Foundation.

Ragheb Isfahani, Hossein. 1412 AH, the words of the Qur'an, first edition, Beirut: Dar al-Qalam. Soren, Peter. 2010, Schools of Modern Semantics in the West, translated by Ali Mohammad Haghshenas, Tehran: Samt.

Sadrudin Shirazi (Mullah Sadra), Mohammad. 1987, Tafsir Al-Quran Al-Karim, second edition, Qom: Bidar Publishing.

- Safavi, Sirus. 2000, Introduction to Semantics, Tehran: Institute of Islamic Culture and Art.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, fifth edition, Qom: Islamic Publications Office.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1408 AH, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir 1412 AH, Jame 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, first edition, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tusi, Muhammad 2010 AH, Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Attar, Muhammad ibn Ibrahim. 1993, Mantiq al-Tair, edited by Sadegh Goharin, Tehran: Scientific and cultural publications.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar. 1420 AH, Tafsir Kabir, third edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Fayumi, Ahmad 1414 AH, Al-Misbah Al-Munir, second edition, Qom: Dar Al-Hijra.
- Mawardi, Ali ibn Muhammad. No date, Al-Nakt Wal-Oyun, first edition, Beirut: Dar Al-Kotob Al-Alamiya.
- Mustafavi, Hassan 1426 AH, Research in the words of the Holy Quran, third edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Makarem Shirazi, Nasser et al. 1992, Tafsir Nomoneh, 10th edition, Tehran: Dar Al-Kotob Al-Eslamiya.
- Meybodi, Ahmad bin Muhammad. 1992, Kashf Al-Asrar and Edatolabrar, Fifth Edition, Tehran: Amirkabir.

English books

Lyons, John (1981), semantics, London: Cambridge university press.

Articles

- Ayazi, Mohammad Ali 2004, "Semantics and its relationship with the knowledge of the interpretation of the Holy Quran", Research in Quranic Sciences and Hadith, No. 2.
- Lotfi, Seyed Mehdi 2014, "Study and Critique of Izutsu Quranic Semantics", Quarterly Journal of Quranic Linguistic Research, No. 6.
- Matieh, Mehdi et al. 2018, "Application of Semantic Network Theory in Quranic Studies", Bi-Quarterly Journal of Quranic Interpretation and Language, No. 12.
- Momtahn, Mehdi and Hossein Shamsabadi. 2012, "The Miracle of Linguistic Ability and Vocabulary Application of the Qur'an", Quarterly Journal of Qur'anic Studies, Volume 3, Number 11.
- Momtahn, Mehdi and Maryam Mahmoudi. 2011, "Masjud man from the perspective of Quranic verses", Quarterly Journal of Quranic Studies, Volume 2, Number 7.
- Lyons, John(1981), semantics, London: Cambridge university press.

Quarterly Journal of Quranic Studies, Twelfth Year, No. 47, Fall 2021, pp. 9-32

Critique of the sayings of the commentators in the word Asma of Surah Al-Baqarah using semantic study

Date of Received: January 25, 2019

Date of Acceptance: May 24, 2020

Mohsen Zarei Jaliani

Faculty member of Kazerun Azad University, Department of Quranic and Hadith Sciences. mohzareie@yahoo.com

Mohammad Mehdi Rezvani Haghghi Shirazi

Faculty member of Shiraz Azad University, Faculty of Humanities, Department of Arabic Literature. Mehdi.rhs@gmail.com

Ahmad Jafari

PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Kazerun Azad University. Ahmaj55d@gmail.com Responsible author: Mohsen Zarei Jliani

Abstract

God Almighty has designed the words of the Holy Qur'an in such a way that in order to understand some of them, a network of related meanings must be formed. One of these words is the word Asma in verses 31 to 33 of Surah Al-Baqarah. The findings indicate that there are many interpretive sayings in this regard. In this library analytical article, the sayings of the commentators are divided into eleven aspects and it is tried to examine and critique them using the semantic method of Isutsu, and then the interpretation of the mentioned verses is expressed with a semantic approach to the word "Asma". The importance of this issue is to achieve the semantic network of the word "Asma" because it is essentially necessary to explore the semantic components of the words in the textual context of the Holy Quran in order to provide a better interpretation. The purpose of this article is to provide the semantic network of the word "Asma" to the Quranic scientific community so that its results can be used in interpretive and Quranic research.

Keywords: Semantics, Asma, Isutsu, Companionship, Substitution.